

فصلنامه مطالعات سیاسی  
سال سیزدهم، شماره ۵۰، زمستان ۱۳۹۹  
صفحات: ۱۵-۳۶  
تاریخ دریافت: ۹۹/۶/۲۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۹/۱۰  
مقاله: پژوهشی

## بررسی چالش های تحقق همگرایی ملی اقوام در ایران؛ مورد مطالعه: قوم ترکمن

معصومه محمدرحیمی\* / امیر هوشنگ میرکوشش\*\* / احمد اشرفی\*\*\*

### چکیده

مسأله قومیت و گروه های قومی در مباحث مربوط به سیاست بین الملل و جامعه شناسی سیاسی در چند دهه اخیر اهمیت بسزایی پیدا کرده است. در این راستا، همگرایی ملی به عنوان یکی از عوامل اصلی پایداری نظام های سیاسی و اجتماعی و یکی از اهداف و حوزه های اصلی جامعه پذیری سیاسی در همه نظام های سیاسی نقش اساسی در ثبات حاکمیت و دوام مردم و همچنین توسعه و پیشرفت ملت ها در فضای کشور خود و حتی فراتر از آن در محیط بین المللی دارد. هدف این پژوهش بررسی چالش های تحقق همگرایی ملی اقوام در ایران می باشد. این مطالعه از لحاظ هدف کاربردی و از نوع توصیفی و با روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق ۴۰۰ نفر از افراد با قومیت ترکمن در استان گلستان می باشند که به روش کوکران و با استفاده از نمونه گیری تصادفی در دسترس انتخاب شدند. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه مبتنی بر طیف لیکرت استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده های تحقیق از مدلسازی معادلات ساختاری بر اساس نرم افزار SmartPls استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد که چالش های هویتی، معیشتی و نهادی تأثیر منفی و معناداری بر همگرایی ملی اقوام دارد. همچنین بین چالش های هویتی با چالش های معیشتی، و چالش های معیشتی با چالش های نهادی تأثیر مثبت و معناداری یافت شد.

### کلیدواژه‌ها

همگرایی ملی، قوم گرایی؛ چالش معیشتی؛ چالش نهادی؛ چالش هویتی.

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

m\_rahimi6@yahoo.com

\*\* استادیار گروه روابط بین الملل، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران(نویسنده مسؤول).

amkooshesh@gmail.com

a\_ashrafi12@yahoo.com

\*\*\* استادیار گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

## ۱. بیان مسأله

مقوله قومیت و گروه‌های قومی در مباحث مربوط به سیاست بین‌الملل و جامعه‌شناسی سیاسی در دو سه دهه اخیر اهمیت بسزایی پیدا کرده است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، یوگسلاوی و استقلال تیمور شرقی از اندونزی از یکسو و گسترش کشمکش‌های قومی در منطقه بالکان و قفقاز و دیگر مناطق جهان از سوی دیگر نقش زیادی در توجه به مسائل قومی بازی کرده است. تكثر اغلب کشورها و تشکیل آن‌ها از قومیت‌های متنوع، یکسانی زبان، مذهب، آداب و رسوم و فرهنگ را از بین برده است. وابستگی به یک گروه قومی - ملی یکسان همواره دارای اهمیت بوده است اما تنوع قومی در داخل کشورها به طور روزافزونی بحث بر سر موضوعاتی نظیر حقوق زبانی، خودمختاری منطقه ای، نمایندگی سیاسی، برنامه آموزشی، دعاوی ارضی، مهاجرت و سیاستگذاری‌های مربوط به اعطای تابعیت، حتی نمادهای ملی، نظیر انتخاب سرود ملی یا تعطیلات رسمی را به همراه داشته است. علاوه بر مسائل داخلی در کشورهای دارای قومیت‌های متکثر، عرصه جهانی و تحولات پیش آمده در آن نیز سبب برجسته شدن مسأله قومیت در محیط داخلی کشورها و نیز در عرصه روابط بین‌الملل گردیده است. تحولات ژئوپولیتیک، شتاب‌گیری فرایند جهانی شدن و بحث‌های گفتمانی ناشی از آن، نظیر رنگ باختن اقتدار دولت و مرزهای ملی، انقلاب الکترونیک و نظایر آن نقش تاثیر گذاری در تغییر کاربرد سنتی دولت و هویت ملی شهروندان ایفا کرده است که این عوامل سبب ایجاد تغییر مطالبات بخصوص از سوی قومیت‌های موجود در مرزهای سرزمینی کشورها گردیده است. از گذشته تا حال دولت‌ها، سیاست‌ها و الگوهای متعدد و متنوعی را برای ایجاد یکسانی قومی و دستیابی به یک جامعه‌ی یکپارچه و منسجم در پیش گرفته‌اند. الگوی بسیاری از آنان مبتنی بر نظریات اندیشمندان سیاسی غرب در خصوص الگویی آرمانی شده از دولت شهر یونانی بوده است. حتی زمانی که خود نظریه پردازان در امپراطوری‌های چندزبانه‌ی حاکم بر چندین گروه قومی و زبانی زندگی می‌کردند، اغلب به گونه‌ای می‌نوشتند که گویی همگون بودن فرهنگی دولت شهرهای یونان باستان<sup>۲</sup> الگوی ذاتی و استانداردی برای جامعه‌ی سیاسی فراهم کرده است (کیملیکا، ۱۳۹۵: ۲۵).

1. Polis
2. City-states of Ancient Greece

با گسترش کشمکش‌های قومی و افزایش اهمیت آن در سیاست بین‌الملل در طول دو دهه‌ی ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی، مسأله قومیت و ناسیونالیسم در شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی و سیاسی دارای اهمیت فزاینده‌ای گردید که حاصل آن در محافل آکادمیک و حکومتی جهان، مطالعات گسترده در خصوص اقوام به عنوان گروه‌های مختلف زبانی، مذهبی و نژادی در فعالیت‌های سیاسی و نیز کشمکش سیاسی و نظامی آن‌ها با دولت مرکزی بوده است (دیوسالار، ۱۳۸۷: ۲). بر این مبنا قومیت به عنوان خودآگاهی سیاسی گروه‌های مختلف زبانی، مذهبی و نژادی در یک سرزمین نسبت به هویت خود و نیز تفاوت قائل شدن میان خود و سایر گروه‌های ساکن در همان منطقه قلمداد شده است (برزگر و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۳۶). سرزمین پهناور ایران با گذشته‌ای کهن، وارث فرهنگ و تمدنی فراگیر است که در طول هزاران سال گستره‌ای از تنوعات زبانی، مذهبی، گویش‌ها، آداب و عادات و مناسک و غیره را با انعطاف و تساهل فراوان به وجود آورده است و گروه‌های مذهبی-زبانی متعدد طی قرن‌ها در کنار هم زیسته و تجربیات تاریخی و میراث فرهنگی واحدی را کسب کرده‌اند (افضلی و ضرغامی، ۱۳۷۸: ۷۸). ایرانیان در زمینه پیشینه تاریخی و میراث سیاسی دارای تداوم تاریخی بسیار کهن بوده و دارای دولت و مرزهای خاص و تاریخ طولانی می‌باشند، بررسی پیشینه گروه‌های قومی در ایران نشان از بومی بودن این اقوام داشته و آنان بخش جدانشدنی از سرزمین، دولت و جامعه ایران به شمار می‌آیند، هیچ یک از اقوام ایرانی که به لحاظ مذهب، لهجه و زبان یا نژاد دارای ویژگی‌های متفاوت هستند بر یکدیگر برتری نداشته و در واقع دولت ایران در طول تاریخ هیچگاه دولت قوم‌محور نبوده و گروه‌های گوناگون و اقوام ایرانی در سرنوشت سیاسی آن مشارکت فعال داشته‌اند (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۱۳). اگرچه بخش مهمی از جریان‌ها و بحران‌های قومی ایران در سده‌ی اخیر محدود به برخی لایه‌های اجتماعی و در بیشتر موارد در راستای بازی‌های ژئوپلیتیک قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است، موقعیت ژئوپلیتیک ایران باعث شده این جریان‌ها هیچ‌گاه به کلی خاموش نشده و در چارچوب جریانی هوشمند به پیگیری اهداف خود ادامه دهند (عبدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۸). اما بطور عمده دو تحول اساسی یکی در حوزه سیاسی و دیگری در حوزه روشنفکری سبب تسری مفهوم قومیت به منطقه خاورمیانه و بطور خاص به ایران گردید. در ایران به عنوان کشوری متنوع، متکثر و مرکب از اقوام و خرده فرهنگ‌های گوناگون، سه متغیر دولت، نخبگان سیاسی و نیروهای بین‌المللی عوامل عمده سیاسی شدن قومیت‌ها و ظهور گرایش‌های سیاسی محلی‌گرا بوده‌اند. از

دوران پهلوی اول به دلیل تمایل به ایجاد یک دولت بوروکراتیک و مدرن به عنوان محور وحدت ملی و نوگرایی و با الهام از اندیشه دولت‌سازی در اروپا، دولت نقش محوری را در ایجاد نیروهای قدرتمند مرکزگرای ایفا نمود (جهانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

همگرایی ملی در این معنا به عنوان یکی از عوامل اصلی پایداری نظام‌های سیاسی و اجتماعی بروز و ظهور می‌یابد و یکی از اهداف و حوزه‌های اصلی جامعه‌پذیری سیاسی در همه نظام‌های سیاسی در نظر گرفته می‌شود که نقش اساسی در ثبات حاکمیت و دوام مردم و همچنین توسعه و پیشرفت ملت‌ها در فضای کشور خود و حتی فراتر از آن در محیط بین‌المللی دارد. این مفهوم در تاریخ اندیشه علوم اجتماعی، سیاسی و انسانی به معنای هماهنگی میان اجزای تشکیل‌دهنده کل نظام اجتماعی بوده و فرایند و سازوکاری است که قسمت‌ها و بخش‌های مختلف با عناصر متفاوت یک جامعه را به درون یک کلیت وارد می‌کند (قیصری و حسینی، ۱۳۹۲: ۷۶). همگرایی ملی دارای مفهومی دوسویه است و بر تمایزات و اشتراکات توأمان دلالت دارد. از یک سو با تاکید بر اشتراکات، افراد گرد آمده در یک فضای سرزمینی را پیرامون محوری واحد همبسته و متحد می‌سازد و از سوی دیگر آنان را از یکدیگر باز می‌شناساند (منافزاده کهرئز، ۱۳۹۳). شناخت و تاکید بر مولفه‌های مشترک موجود در میان مردم یک کشور و برجسته نمودن این اشتراکات گامی اساسی در تأمین همگرایی ملی قلمداد می‌گردد. برجسته شدن موضوع قومیت‌ها باعث انجام مطالعات و تحقیقات زیادی پس از دهه ۱۹۶۰ شد. بسیاری از نظریه‌پردازان و در پیوند با آنان محققان کثیری در این دوره به مطالعه و تحقیق راجع به موضوع همگرایی و واگرایی و مناقشات برآمده از تنازعات قومی در کشورهای غربی، پرداخته‌اند (دریک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹؛ نوردین<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). لذا، با توجه به خلاء تحقیقاتی تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤالات است که آیا چالش‌های هویتی، معیشتی و نهادی بر همگرایی ملی اقوام تأثیر دارند؟

## ۲. مبانی نظری پژوهش

قومیت راهی برای تقویت‌یابی جمعی است که مفهوم «ما» و «آن‌ها» را شکل بخشیده و دارای ساختی اجتماعی همراه با اشاره به فرهنگ است. بدین دلیل، فرقه‌ای، محلی، ملی و

---

1. Drake  
2. Nordin

نژادی را می‌توان همچون ساخت‌های اجتماعی و محیطی خاص مبتنی بر درون مایه بنیادین قومیت فرض کرد که همه مؤلفه‌های هویت قومی را تشکیل می‌دهند (مارتین و سولوموز، ۱۳۸۱: ۱۸۲). از آنجا که قومیت موضوعی گسترده است و بحث پیرامون آن در ابعاد گوناگون مطرح می‌شود، مباحث نظری پیرامون آن نیز به همین گونه گسترده می‌باشد. جهت جلوگیری از تداعی معانی مختلف از برخی مفاهیم به کار رفته در پژوهش حاضر، ابتدا به ارائه تعریف نظری پرداخته می‌شود. در این تحقیق مفاهیم مرتبط با مباحث قومی و ملی که به منظور طراحی مدل همگرایی ملی در میان اقوام، دارای کاربرد است، تعریف می‌شوند. نظریه‌های مربوط به ساختار اجتماعی و توسعه اقتصادی، دولت به عنوان عاملی مؤثر در ساختار اجتماعی و توسعه اقتصادی محسوب شده و تأثیر سیاست‌های دولت بر مسأله قومیت و گروه‌های قومی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این رابطه نظریه‌های بسیار گوناگونی مطرح می‌شود که از آن میان می‌توان به نظریه توسعه نابرابر<sup>۱</sup>، نظریه سیستم‌های جهانی<sup>۲</sup>، استعمار داخلی<sup>۳</sup> و قشربندی قومی<sup>۴</sup> اشاره کرد. دیدگاه‌هایی که بر ساختار اجتماعی و توسعه اقتصادی و متغیرهای آن نظر دارند، توجه خود را به نقش دولت در مدیریت فرآیند توسعه معطوف می‌کنند. در اینجا مسأله توسعه نابرابر و تأثیر آن بر گروه‌های قومی مهم در داخل یک کشور و هم در گستره جهانی، یعنی نظام جهانی مورد بحث است. دولت در اینجا ابزار سلطه و استثمار تلقی می‌شود و این کار را از راه سازوکارهایی که کمتر شناخته شده است انجام می‌دهد. برای نمونه نظریه نظام جهانی تأکید می‌کند که دولت تنها یک سازوکار مناسب برای استفاده ابزاری نخبگان در جهت پیشرفت و محافظت از امتیازات اقتصادی مناطق خاص درون اقتصاد جهانی است.

در دیدگاه‌های مربوط به کثرت‌گرایی فرهنگی، دولت از دیدگاه‌های ماکیاولی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر دولت ابزار سلطه یک گروه بر گروه دیگر تلقی می‌شود. در این رابطه دیدگاه‌های گوناگونی درباره ضرورت کاربرد خشونت در جوامع کثرت‌گرا وجود دارد و نقش دولت بیشتر به عنوان کنترل و نظارت بر کشمکش قومی تصویر می‌شود.

نظریه پردازان رقابت بر سر منابع گرچه تا حدی با کثرت‌گرایان فرهنگی اشتراک دیدگاه دارند، اما بیشتر دولت و قدرت سیاسی آن را به عنوان موضوع رقابت شدید میان گروه‌های قومی

- 
1. Uneven Development
  2. World Systems
  3. Internal Colonialism
  4. Social Stratification

بررسی می‌کنند. به گفته این نظریه‌پردازان نقش دولت هم در ملت‌های توسعه یافته و هم در ملل توسعه نیافته، گسترش پیدا کرده است. در کشورهای توسعه یافته، به رشد دولت رفاهی اشاره می‌شود و در جهان در حال توسعه یا جهان سوم، دولت هم به عنوان پیامد نظامی شدن فزاینده و هم به عنوان دریافت کننده کمک از ملل توسعه یافته قلمداد می‌شود. به همین خاطر در این جوامع نقش دولت اهمیت بی‌سابقه‌ای پیدا کرده است.

نظریه پردازانی که بر رقابت نخبگان و بسیج نخبگان تأکید دارند، بیشتر دولت را به عنوان کانون سیاسی قدرت و تصمیم‌گیری مورد بررسی قرار می‌دهند. آن‌ها بیشتر متوجه پیچیدگی و تغییرپذیری فرآیند سیاسی و دستگاه اداری در دولت هستند. با این همه دیدگاه این نظریه پردازان در رابطه با عدالت و بی‌طرفی دولت در ارتباط با قومیت و گروه‌های قومی متفاوت است. برخی از آن‌ها می‌گویند که دولت عدالت و برابری را گسترش می‌دهد و برخی نقش آن را در ایجاد نابرابری‌های اجتماعی موجود مدنظر دارند. برخی نیز دولت را عرصه رقابت گروه‌های قومی می‌دانند. در این دیدگاه‌ها بر استقلال نسبی دولت از گروه‌های قومی نیز تأکید می‌شود (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۱۳).

در نظریه‌های مربوط به قشربندی اجتماعی نیز بر تأثیرات و پیامدهای سیاست‌های دولت در عرصه‌های مهاجرت، اشتغال، مسکن و زبان بر شکل‌گیری گروه‌های قومی و نیز در تداوم یا محو آن‌ها تأکید می‌شود. در نتیجه نظریه پردازان این حوزه دیدگاه‌های خاص پیرامون رابطه میان گروه‌های قومی و دولت ارائه می‌دهند.

همگرایی ملی<sup>۱</sup>: همگرایی ملی، یکی از عوامل اصلی پایداری نظام‌های سیاسی و اجتماعی و یکی از اهداف و حوزه‌های اصلی جامعه‌پذیری سیاسی در همه نظام‌های سیاسی می‌باشد که نقش اساسی در ثبات حاکمیت و دوام مردم و همچنین توسعه و پیشرفت ملت‌ها در فضای کشور خود و حتی فراتر از آن در محیط بین‌المللی دارد. این مفهوم در تاریخ اندیشه علوم اجتماعی، سیاسی و انسانی به معنای هماهنگی میان اجزای تشکیل‌دهنده کل نظام اجتماعی بوده و فرایند و سازوکاری است که قسمت‌ها و بخش‌های مختلف با عناصر متفاوت یک جامعه را به درون یک کلیت وارد می‌کند (قیصری و حسینی، ۱۳۹۲: ۷۶).

گروه‌های قومی<sup>۱</sup>: گروهی با سنت فرهنگی مشترک و احساس هویتی که آن را به عنوان یک گروه فرعی از یک جامعه بزرگ‌تر مشخص می‌کند. اعضای هر گروه قومی از لحاظ ویژگی‌های خاص فرهنگی از سایر اعضای جامعه خود متمایز هستند (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۸).

قوم‌گرایی یا ناسیونالیسم قومی<sup>۲</sup>: نوعی فعالیت سیاسی که بر محور گروه قومی و در جهت تحقق خواسته‌های آن صورت گیرد (احمدی، ۱۳۹۶: ۳۶).

اقوام ایرانی: گروه‌های برخوردار از ویژگی‌های متفاوت نژادی، زبانی و دینی که از روزگاران کهن در ایران بسر می‌برده‌اند و در موارد بسیاری چون فرهنگ و آداب و رسوم و زبان ملی، با سایر ایرانیان اشتراک دارند. تجربه تاریخی و مراودات اقتصادی و اجتماعی نیز، آن‌ها را با سایر ایرانیان پیوند می‌دهد و در آن‌ها حس وابستگی به ایران برتر از حس وابستگی به محل یا فرهنگ محلی است (احمدی، ۱۳۹۶: ۳۶).

کشمکش قومی<sup>۳</sup>: نوعی فعالیت خصمانه و تضادآمیز میان گروه قومی خاص و دولت، یا میان گروه‌های قومی متفاوت درون یک واحد سیاسی (احمدی، ۱۳۹۶: ۳۸).

همگرایی: همگرایی به لحاظ مفهومی عبارت است از تقریب و نزدیک شدن افراد به سمت نقطه‌ای مشخص که معمولاً به عنوان هدف مشترک آنان شناخته می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۳).

### ۳. پیشینه تجربی پژوهش

مطالعات اشاره‌شده تا حدودی به متغیرهای اصلی مورد بررسی در این تحقیق مرتبط هستند. هر چند هیچ‌یک از آن‌ها (چه مطالعات داخلی و چه مطالعات خارجی)، موضوع تحقیق حاضر را به‌طور دقیق مورد بررسی قرار نداده‌اند، اما امکان شناخت ادبیات تحقیق را فراهم ساخته و در سمت دهی بینش پژوهشگر بسیار حائز اهمیت بوده است.

- خرازی آذر و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «تأثیر استفاده از رسانه‌های جمعی و اجتماعی بر هم‌گرایی بین قومی در ایران» به بررسی میزان تأثیر استفاده از رسانه‌های جمعی و اجتماعی بر همگرایی اقوام ایرانی می‌پردازند. نتیجه حاصل نشان دهنده آن است که به ترتیب اقوام بلوچ، کرد، لر، فارس، آذری و عرب بیشترین تا کمترین میزان گرایش همگرایی

---

1. Ethnic Groups  
2. Ethno Politics or Ethno Nationalism  
3. Ethnic Conflict

بین قومی را داشته اند. استفاده از شبکه های ماهواره ای قومی و تلوزیون های خارجی، بیشترین تاثیر منفی را بر همگرایی اقوام داشته و پس از آن، شبکه های ماهواره ای فارسی زبان در مسیر افزایش واگرایی، نقش ایفا کرده اند. شبکه های سراسری صدا و سیما و مطبوعات، نقش ایجابی در همگرایی اقوام داشته اما نقش اینترنت معنادار نیست. استفاده از رسانه های اجتماعی وب محور بیش از شبکه های اجتماعی بر بستر تلفن همراه هوشمند، باعث افزایش همگرایی اقوام ایرانی شده است.

- سلیمی سبحان و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل تاریخی عوامل موثر بر همگرایی و واگرایی اقوام ایرانی (نمونه پژوهشی: قوم کرد)» با بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخگویی به این پرسش که چه عواملی در برهه های تاریخی بر فرایند هم گرایی و واگرایی قوم کرد تاثیرگذار بوده است؟ عواملی نظیر محتوای سیاست های قومی، بروز خلا قدرت در مرکز، اندرکنش نخبگان ملی و محلی، بسترسازی مشارکت سیاسی اقوام و مداخلات خارجی را در همگرایی و واگرایی اقوام موثر دانسته اند.

- جعفرزاده پور و حیدری (۱۳۹۳) طی تحقیقی با عنوان «فرا تحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران» به تبیین رابطه بین هویت ملی و هویت قومی در ایران پرداخته اند. در این مقاله با استفاده از روش فراتحلیل پژوهش های صورت گرفته در دهه های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ را مورد بررسی قرار می دهد و در نهایت به این نتایج ختم می شود که بهره گیری از روش کمی و بویژه پیمایش محبوبیت بیشتری در بررسی این موضوع داشته و از سویی تعداد پژوهش ها در دهه ۱۳۸۰ نسبت به دهه ۱۳۷۰ از رشد قابل ملاحظه ای برخوردار است و این موضوع توجه افراد و صاحب نظران مختلف را برای پژوهش در این حوزه تحت تاثیر قرار داده است ولی به مطالعات بین رشته ای در این حوزه منجر نشده است.

- قیصری و حسینی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «ابعاد و شاخص های امنیت پایدار؛ مبتنی بر مدل مهندسی همگرایی ملی» با استفاده از رهیافت سازه انگارانه و رویکرد مطالعاتی مکتب جهان سوم به بررسی تاثیر متغیرهای هویتی، معیشتی و نهادی بر متغیر میانجی همگرایی ملی و تأثیر این متغیر در مجاورت متغیر خارجی بر امنیت پایدار پرداخته است. نتیجه حاصل بیانگر این مسأله است که به دلیل ذاتی بودن آثار هویتی، بعضی متغیرهای منتسب به همگرایی هویتی با تعیین نوع، شکل، شدت و بسامد امنیت پایا، نقش اصلی و محوری را در تولید همگرایی ملی و در نتیجه امنیت پایدار بادوام نسبتاً درازمدت و نهادی شده دارند و در رویکرد مبتنی بر مهندسی و معماری امنیت،



سایر عوامل غیرهویت‌ی، مثل دو گروه متغیرهای نهادی و معیشتی، می‌توانند موجبات جبران کسری هویت ملی و حاکمیتی از هویت قوم مورد مطالعه را فراهم آورند.

- ولایتی و سعیدمحمدی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام» در پی آن هستند تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، تجارب همگرایی در جهان اسلام را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده و نشان دهند که اگر چه اتحادیه‌ی اروپا در سایه‌ی نظریه همگرایی موفق گردیده تا به غالب اهداف خود دست یابد، اما کشورهای اسلامی تاکنون نتوانسته‌اند گام موثری در مسیر همگرایی بردارند. محققان این پژوهش در نهایت به این نتیجه می‌رسند که موانع بزرگی چون استبداد داخلی، اختلافات سیاسی، ملی‌گرایی افراطی، بی‌ثباتی سیاسی، رقابت‌های منطقه‌ای، استعمار و صهیونیسم بر سر راه همگرایی جهان اسلام وجود دارد که بسیاری از آن‌ها در جوامع آزاد غرب مشاهده نمی‌شود. در این میان، استبداد داخلی و سلطه استعمار از مهم‌ترین عوامل اختلال در روند همگرایی جهان اسلام محسوب می‌شوند. عواملی که خود زمینه‌ساز بروز و تقویت سایر موانع همگرایی در میان کشورهای اسلامی هستند. بنابراین جوامع اسلامی نیازمند الگویی هستند که بتواند موانع یاد شده را با قدرت از سر راه آن‌ها بردارد. این الگو جز در سایه‌ی نظریه اسلامی و بازگشت به هویت دینی امکان‌پذیر است.

- دریک (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «همگرایی ملی در اندونزی» به تأثیرات نامساعد تجربیات تاریخی و سیاسی، ابعاد فرهنگ اجتماعی، ابعاد اثر متقابل، ابعاد اقتصادی، الگوهای فضایی، مسئولیت دولت در قبال تحقق همگرایی ملی و چشم‌انداز همگرایی ملی در اندونزی پرداخته است. - نوردین و همکاران (۲۰۱۸) مقاله‌ای با عنوان «همگرایی ملی در محیط مدرسه چندفرهنگی در مالزی» نگاشته‌اند. این مطالعه به بررسی تأثیر متغیرهای زمینه‌ای دانش‌آموزان و مدارس منتخب بر همگرایی ملی می‌پردازد. نظرسنجی انجام شده در مورد دانش‌آموزان فرم چهار و فرم پنج نشان داد که همگرایی، یکپارچه نیست بلکه تمایل دارد به سه چهارچوب یا مدل تعبیر شود: جذب، هویت چندگانه و چندفرهنگی. در این پژوهش بیان می‌شود که زمینه‌های قومی و مذهبی-فرهنگی در تعیین نه تنها قدرت بلکه ترجیح دانش‌آموزان برای یک چارچوب یا الگوی همگرایی خاص بسیار مؤثرتر از متغیرهای مدرسه است.

- شاه و ایشاکو (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «چالش‌های همگرایی ملی و پاسخ استراتژیک پاکستان» جنبه‌های نظری مربوط به همگرایی ملی در پاکستان را ترسیم کرده و ارتباط آن‌ها

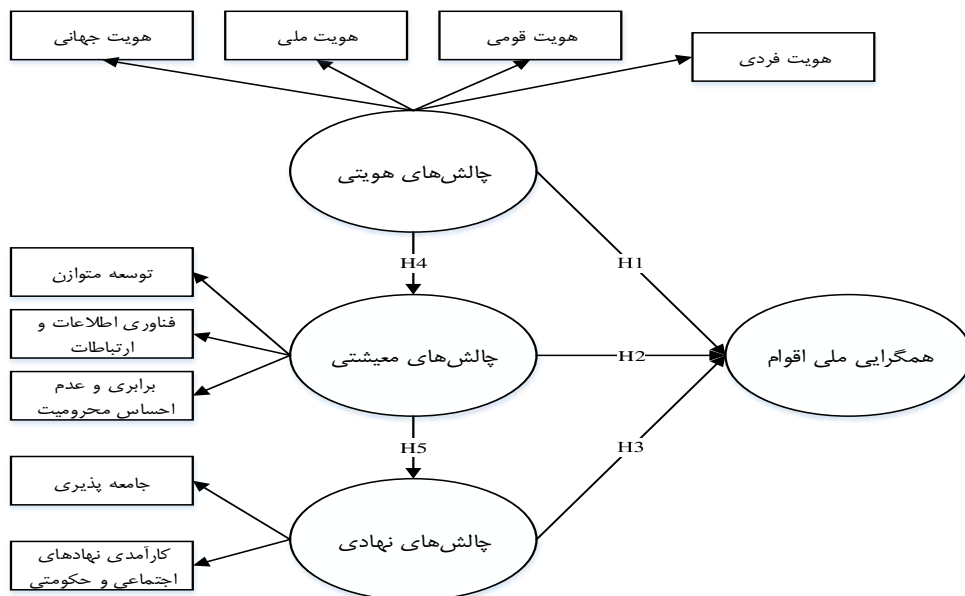
با چالش‌ها و پیامدهای بالقوه برای پاکستان را شناسایی می‌کند. در انتها نیز، پیشنهادهایی برای تقویت همگرایی ملی در کشور پاکستان ارائه شده است.

- فولارین و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود با عنوان «تعدد فرهنگی، همگرایی ملی و معضل امنیتی در نیجریه» تصریح می‌کنند که کشور نیجریه نیاز به تغییرات اساسی دستگاه امنیتی خود در داخل و اطراف مرزهای خود دارد، ضمن اینکه احتیاج است نگاهی عمیق‌تر به سیستم مهاجرت خود داشته باشد.

- دریجه (۲۰۰۶) در مقاله (هویت قومی)، به پنج ویژگی گروه‌های قومی به این شرح اشاره می‌کند: ۱. گروه‌های قومی معمولاً کنترل یک قلمرو را در اختیار دارند؛ ۲. نهادهای قومیتی نوعی نیروی جذب‌کننده را به کار می‌گیرند؛ ۳. افراد گروه قومی به هم ذات‌پنداری دقیق با میراث و فرهنگ‌شان نیاز دارند؛ ۴. ممکن است که ایدئولوژی سیاسی یا مذهبی ارزش‌هایی را تجویز کند که از ارزش‌های یک گروه قومی مهم‌تر به نظر برسند و به جوانان گروه قومی هدف و جهت ارائه دهد. پس، بین مذهب و قومیت یک همبستگی بسیار قوی وجود دارد؛ ۵. افراد گروه‌های قومی که خود را عامل انجام مأموریتی می‌دانند، برای تطبیق دادن ایدئولوژی‌شان با شرایط موجود، با نسبت دادن نمادین آن به یک گذشته تاریخی، به راه‌های اجتماعی و روان‌شناسانه متوسل می‌شوند.

بر مبنای مباحث فوق، این پژوهش پنج فرضیه زیر را بررسی می‌کند:

- ۱) چالش‌های هویتی تأثیر معناداری بر همگرایی ملی اقوام دارد.
  - ۲) چالش‌های معیشتی تأثیر معناداری بر همگرایی ملی اقوام دارد.
  - ۳) چالش‌های نهادی تأثیر معناداری بر همگرایی ملی اقوام دارد.
  - ۴) چالش‌های هویتی تأثیر معناداری بر چالش‌های معیشتی دارد.
  - ۵) چالش‌های معیشتی تأثیر معناداری بر چالش‌های نهادی دارد.
- با توجه به فرضیات توسعه یافته مدل تحقیق در زمینه چالش‌های تحقق یافته و همگرایی ملی اقوام در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه از لحاظ نتیجه کاربردی و از نظر هدف توصیفی و با روش پیمایشی و به صورت تک مقطعی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش کلیه افراد با قومیت ترکمن در استان گلستان می باشند. مقیاس‌های تحقیق برای سنجش متغیرها ابتدا از مبانی نظری استخراج شد. سپس بر اساس نظر خبرگان روایی صوری و محتوایی مقیاس‌ها بررسی و تأیید شد. همچنین برای اطمینان از پایایی مقیاس‌های سنجش مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شد که در جدول (۱) ارائه شده است. به منظور بررسی پایایی و روایی مدل اندازه‌گیری، از نرم افزارهای SPSS و Smart-PLS استفاده شد. همانطور که مشاهده می شود ضریب آلفای کرونباخ برای تمام مقیاس‌های تحقیق در سطح مطلوب است که نشان از اعتبار سنجه‌های پژوهش دارد.

جدول (۱) نتایج پایایی و منابع مقیاس‌های سنجش

| متغیرهای پژوهش | ابعاد     | منبع مقیاس‌های سنجش | تعداد گویه | ضریب آلفای کرونباخ |
|----------------|-----------|---------------------|------------|--------------------|
| چالش‌های هویتی | هویت فردی | محقق ساخته          | ۱          | ۰/۸۱۹              |
|                | هویت قومی |                     | ۳          |                    |

|       |   |            |                       |                   |
|-------|---|------------|-----------------------|-------------------|
|       | ۴ |            | هویت ملی              |                   |
|       | ۲ |            | هویت جهانی            |                   |
| ۰/۸۳۷ | ۶ | محقق ساخته | توسعه متوازن          | چالش‌های معیشتی   |
|       | ۱ |            | فناوری اطلاعات...     |                   |
|       | ۴ |            | برابری و عدم احساس... |                   |
| ۰/۷۸۵ | ۶ | محقق ساخته | جامعه‌پذیری           | چالش‌های نهادی    |
|       | ۷ |            | کارآمدی نهادهای...    |                   |
| ۰/۸۸۷ | ۶ | محقق ساخته |                       | همگرایی ملی اقوام |

برای تعیین حجم نمونه مورد نیاز از فرمول کوکران استفاده شد که در تحقیق حاضر این حجم ۳۲۸/۲۱ نفر بدست آمد که برای محاسبات صحیح تر به ۴۰۰ نفر ارتقاء یافت؛ و پاسخگویان با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس انتخاب شدند. مقدار واریانس از طریق نمونه مورد بررسی برای ۳۰ نفر ۰/۸۵۴ محاسبه شده است.

### ۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق از طریق مدلسازی معادلات ساختاری انجام گرفته است. ابتدا نرمال بودن متغیرها از طریق آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S)، بررسی شد. با توجه به اینکه بعضی متغیرها (چالش‌های نهادی و معیشتی) غیر نرمال بودند، لذا از روش PLS برای مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد. در جدول ۲، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مورد بررسی ارائه شده است.

جدول ۲) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مورد بررسی

| درصد فراوانی | فراوانی | ویژگی‌های جمعیت‌شناختی |         | درصد فراوانی | فراوانی | ویژگی‌های جمعیت‌شناختی |            |
|--------------|---------|------------------------|---------|--------------|---------|------------------------|------------|
| ۹/۵          | ۳۸      | زیر دیپلم و دیپلم      | تحصیلات | ۳۶/۷         | ۱۴۷     | زن                     | جنسیت      |
|              |         | فوق دیپلم              |         | ۶۳/۳         |         | ۲۵۳                    |            |
| ۴۴/۷         | ۱۷۹     | لیسانس                 |         | %۶۷          | ۲۶۸     | مجرد                   | وضعیت تأهل |
| ۱۱/۲         | ۴۵      | فوق لیسانس             |         | %۳۳          | ۱۳۲     | متأهل                  |            |
| ۲/۱          | ۸       | دکتر                   |         |              |         |                        |            |

بررسی چالش های تحقق همگرایی ملی اقوام در ایران...

همانطور که مشاهده می شود، بیش از ۶۳ درصد پاسخگویان مرد و حدود ۶۷ درصد پاسخگویان مجرد بودند. تحصیلات کارشناسی با حدود ۴۴/۷ درصد بیشتر فراوانی را در میان پاسخگویان داشته است.

برای ارزیابی شاخص های سنجش و اعتبار مدل از شاخص های میانگین استخراج شده، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ استفاده می شود. در جدول (۳) نتایج پایایی و روایی همگرا ابزار سنجش به طور کامل ارائه شده است.

جدول (۳) شاخص های برازش مدل بیرونی

| متغیرهای مکنون    | ضریب آلفای کرونباخ<br>(Alpha>0.7) | ضریب پایایی ترکیبی<br>(CR>0.7) | میانگین واریانس استخراجی<br>(AVE>0.5) |
|-------------------|-----------------------------------|--------------------------------|---------------------------------------|
| چالش هویتی        | ۰/۷۹۸                             | ۰/۸۶۴                          | ۰/۷۱۵                                 |
| چالش معیشتی       | ۰/۸۱۴                             | ۰/۸۸۹                          | ۰/۶۳۷                                 |
| چالش نهادی        | ۰/۷۶۵                             | ۰/۸۷۱                          | ۰/۵۹۸                                 |
| همگرایی ملی اقوام | ۰/۹۰۵                             | ۰/۹۲۴                          | ۰/۶۴۸                                 |

معیار آلفای کرونباخ سنجش مناسب برای سنجش پایایی درونی است. پایایی درونی نشانگر میزان همبستگی بین یک سازه و شاخص های مربوط به آن است. مقدار بالای واریانس تبیین شده بین سازه و شاخص هایش در مقابل خطای اندازه گیری مربوط به هر شاخص پایداری درونی بالا را نتیجه می دهد. مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ نشانگر پایایی قابل قبول است.

معیار پایایی ترکیبی (CR) توسط ورتس و همکاران (۱۹۷۴) معرفی شد و برتری آن نسبت به آلفای کرونباخ این است که در محاسبه آلفای کرونباخ در مورد هر سازه، تمامی شاخص ها با اهمیت مساوی در محاسبات وارد می شوند، در حالی که برای محاسبه CR، شاخص ها با بار عاملی بیشتر اهمیت بیشتری دارند. مقدار مطلوب این معیار بزرگتر یا مساوی ۰/۷ می باشد (داوری و رضا زاده، ۱۳۹۲). با توجه به نتایج جدول ۳ مقدار CR برای هر سازه بالاتر از ۰/۷، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل اندازه گیری دارد.

اولین روایی مورد بررسی برای تایید روا بودن مدل های اندازه گیری، روایی همگرا است. روایی همگرا به این معناست که مجموعه ی معرف ها، سازه ی اصلی را تبیین می کنند. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) استفاده از متوسط واریانس استخراج شده (AVE) را به عنوان معیاری برای اعتبار همگرا، پیشنهاد می کنند. میانگین واریانس استخراج شده میزان همبستگی یک سازه با شاخص های خود را نشان می دهد و مقدار بحرانی در این مورد عدد ۰/۵ است، بدین معنی که

مقدار AVE بالای ۰/۵ روایی همگرایی قابل قبول را نشان می دهد (داوری و رضا زاده، ۱۳۹۲). همانطور که ذکر شد نتایج جدول ۳ نشان می دهد تمام مقادیر فوق الذکر از حد مطلوب بالاتر است. در نتیجه مناسب بودن وضعیت پایایی و روایی همگرایی تحقیق تأیید می شود. برای بررسی روایی واگرا، میزان رابطه یک سازه با شاخص هایش در مقایسه رابطه آن سازه با سایر سازه ها، به وسیله ماتریس فورنل لارکر نشان داده می شود. برای محاسبه این ماتریس مقدار جذر AVE متغیرهای مکنون در پژوهش حاضر که در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته اند، از مقدار همبستگی میان آن ها که در خانه های زیرین و چپ قطر اصلی قرار گرفته اند باید بیشتر باشد.

جدول ۴) روایی واگرا (روش فورنل لارکر)

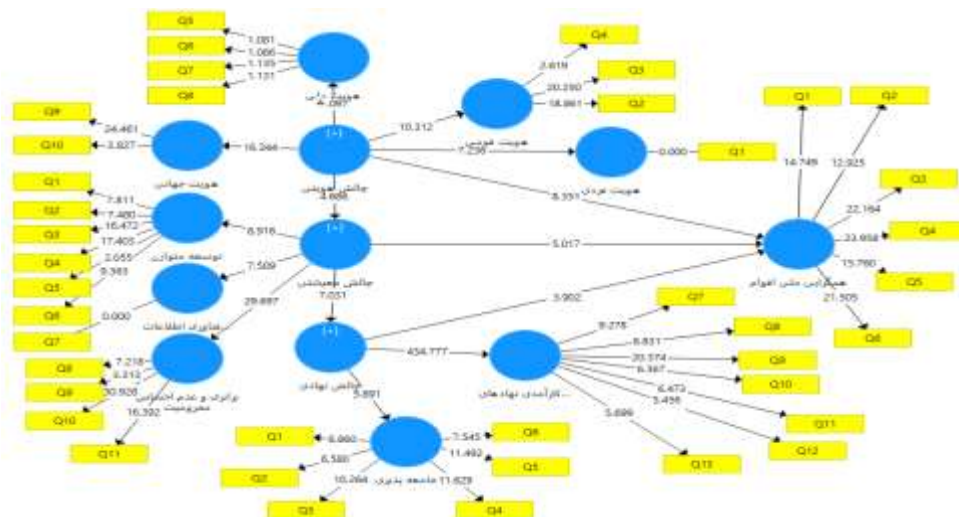
| متغیرهای پژوهش       | ۱     | ۲     | ۳     | ۴    |
|----------------------|-------|-------|-------|------|
| ۱- چالش های هویتی    | ۰/۸۴  | -     | -     | -    |
| ۲- چالش های معیشتی   | ۰/۶۳۵ | ۰/۷۹  | -     | -    |
| ۳- چالش های نهادی    | ۰/۷۱۴ | ۰/۶۷۸ | ۰/۷۷  | -    |
| ۴- همگرایی ملی اقوام | ۰/۵۸۹ | ۰/۴۸۷ | ۰/۶۷۷ | ۰/۸۰ |

بر اساس جدول ۴ مشاهده می شود که متغیرهای مکنون در مدل، تعامل بیشتری با شاخص های خود دارند تا با سازه های دیگر و روایی واگرای مدل در حد مناسبی است. شاخص های به دست آمده در نرم افزار پی ال اس، همگی کیفیت برازش رانشان می دهند. به این معنا که این شاخص ها، عددی بین یک و صفر می باشند و هر چه مقدار آن ها به یک نزدیک تر و از ۰/۵ بیشتر باشد، نشان دهنده برازش خوب و کامل است. معیار کلی برای روش حداقل مربعات جزئی در نظر گرفته شد که این معیار GOF نام دارد. نتایج برازندگی در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵) شاخص های برازندگی مدل

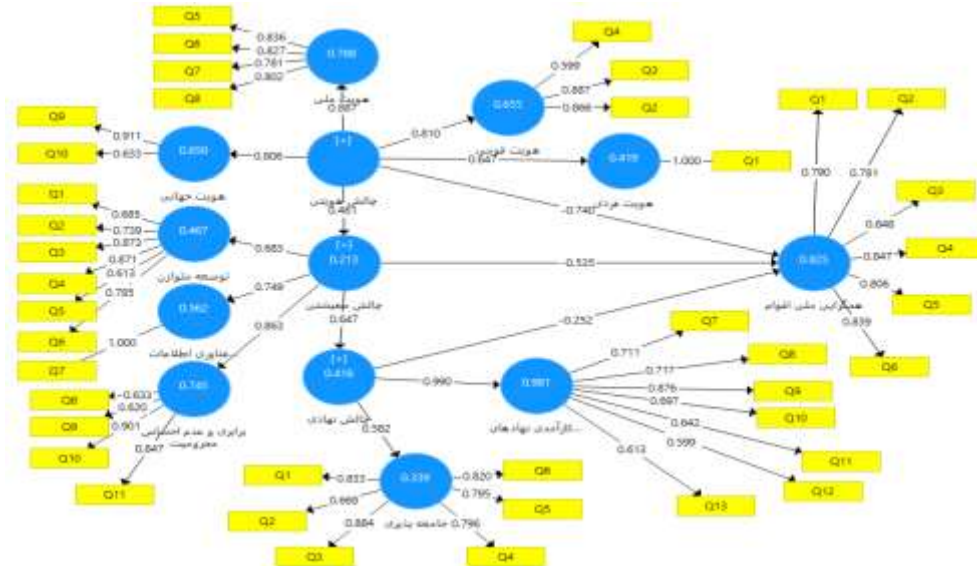
| شاخص مدل | نوع شاخص        |
|----------|-----------------|
| ۰/۶۲۸    | شاخص مطلق       |
| ۰/۶۵۷    | شاخص نسبی       |
| ۰/۶۸۹    | شاخص مدل بیرونی |
| ۰/۷۸۴    | شاخص مدل درونی  |

در این تحقیق، شاخص نسبی از شاخص مطلق بالاتر است. مطالعات نشان می دهد که ارزش شاخص نیکویی برازش بیش از آن که به مدل بیرونی بستگی داشته باشد، به مدل درونی وابسته است در این مطالعه، همان طور که در جدول ۵ آمده است شاخص مدل درونی ۰/۷۸۴ است، از این رو، می توان به این نتیجه رسید که مدل مطالعه به خوبی برازش شده است. بارهای عاملی از طریق محاسبه ی مقدار همبستگی شاخص های یک سازه با آن سازه محاسبه می شوند که اگر این مقدار برابر و یا بیشتر از ۰/۴ شود بیانگر این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص های آن از واریانس خطای اندازه گیری آن سازه بیشتر بوده و پایایی در مورد آن مدل اندازه گیری قابل قبول است.



شکل ۲) مقادیر T-value مدل تحقیق

در شکل ۲ اعداد مشخص شده بر روی فلش ها نشان دهنده مقادیر T-value هستند. جهت آزمون فرضیات در سطح اطمینان ۹۵ درصد مقادیر بزرگ تر و مساوی قدر مطلق ۱/۹۶، به معنای وجود ارتباط معنادار بین دو متغیر می باشد.



در شکل (۳) ضرایب مسیر که بیانگر شدت رابطه است مشخص شده است. اعداد روی مسیره‌ها نشان دهنده ضریب مسیر، اعداد داخل دایره متغیرهای درونزا مقدار  $R^2$  (نشان از تأثیری که متغیرهای مستقل بر یک متغیر وابسته می‌گذارند) است و اعداد روی فلشهای متغیرهای پنهان بیانگر بارهای عاملی است. در مدل آزمون شده ابتدا معنی دار بودن ضرایب مسیر و بارهای عاملی در سطح ۰/۰۵ بررسی شد که مطابق شکل ۳ مشاهده می‌شود که تمام بارهای عاملی در این سطح اطمینان معنی دار هستند (بارعاملی کلیه متغیرها در حد قابل قبول بالاتر از ۰/۴ دهم می‌باشند). این بدان معناست که ضریب همبستگی متغیرهای آشکار در برآورد متغیر پنهان مربوط به خود از توانایی لازم برخوردارند و در نتیجه نشان دهنده این است که روایی سازه مدل مورد قبول واقع شده است.

برای بررسی برازش مدل کلی تنها یک معیار به نام GOF استفاده می‌شود. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای این معیار معرفی شده است (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲)، و با حصول مقدار ۰/۵۴۳ برای GOF برازش قوی مدل کلی آن تأیید می‌شود.



بررسی چالش های تحقق همگرایی ملی اقوام در ایران...

جدول ۶) نتایج برازش مدل

| متغیرهای پژوهش    | Communality | R-square |
|-------------------|-------------|----------|
| همگرایی ملی اقوام | ۰/۴۵۸۹      | ۰/۸۲۵    |
| چالش هویتی        | ۰/۶۸۷۴      | -        |
| چالش معیشتی       | ۰/۶۰۵۶      | ۰/۲۱۳    |
| چالش نهادی        | ۰/۶۸۷۴      | ۰/۴۱۸    |

$$GOF = \sqrt{Communality \times R^2} = \sqrt{0.6098 \times 0.4853} = 0/543$$

در گام بعدی آزمون بلایندفودینگ اجرا گردید که بر اساس آن مقدار  $Q^2$  یعنی میزان «روایی پیشبین» سازه‌های مدل مسیر مورد بررسی قرار می‌گیرند، اگر این ارزش بزرگتر از صفر باشد، متغیرهای برون‌زای مکنون برای متغیرهای درون‌زای مکنون روایی پیش‌بین دارند. همان‌طور که مقادیر  $Q^2$  در جدول ۷ نشان داده شده است، مقادیر همه آن‌ها بیش از صفر بوده و این نشان‌دهنده آن است که همه سازه‌ها و متغیرهای مدل مسیر تجزیه و تحلیل خط مشی‌های عمومی دارای روایی پیش‌بین هستند.

جدول ۷) نتایج آزمون بلایندفولدینگ

| متغیرهای پژوهش    | 1-SSE/SSO |
|-------------------|-----------|
| همگرایی ملی اقوام | ۰/۳۸۴۷    |
| چالش معیشتی       | ۰/۱۹۳۶    |
| چالش نهادی        | ۰/۲۲۴۸    |

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود این مقدار برای پنج متغیر درون‌زا بیشتر از ۰/۱۵ می‌باشد و این مطلب حاکی از آن است که متغیرهای برون‌زا (مستقل) در پیش‌بینی متغیرهای وابسته قوی هستند و برازش مناسب مدل ساختاری پژوهش را تأیید می‌کند.

## ۶. بررسی فرضیه‌های پژوهش

پس از بررسی برازش مدل، با استفاده از ضرایب معناداری Z و ضرایب استاندارد شده بار عاملی مربوط به مسیرهای هریک از قضیه‌ها، به بررسی و آزمون قضیه‌ها پرداخته شده است. ملاک تأیید فرضیه‌های این پژوهش به این صورت است که آماره T بالاتر از ۱/۹۶ باشد که در جدول ۸ نتایج بررسی فرضیه‌ها ارائه شده است.

جدول ۸) نتایج آزمون فرضیات پژوهش

| نتیجه آزمون | ضریب مسیر | آماره t | متغیرها و روابط آن‌ها           |
|-------------|-----------|---------|---------------------------------|
| ✓ تأیید     | -۰/۷۴۰    | ۸/۳۵۱   | چالش هویتی ← همگرایی ملی اقوام  |
| ✓ تأیید     | -۰/۵۳۵    | ۵/۰۱۷   | چالش معیشتی ← همگرایی ملی اقوام |
| ✓ تأیید     | -۰/۲۵۲    | ۳/۹۰۲   | چالش نهادی ← همگرایی ملی اقوام  |
| ✓ تأیید     | ۰/۴۶۱     | ۴/۶۸۶   | چالش هویتی ← چالش معیشتی        |
| ✓ تأیید     | ۰/۶۴۷     | ۷/۰۳۱   | چالش معیشتی ← چالش نهادی        |

نتیجه گیری

تحقیق حاضر اقدام به شناسایی عمده ترین عوامل مؤثر بر همگرایی ملی اقوام نموده و تأثیرگذاری چالش های هویتی، معیشتی و نهادی را بر همگرایی ملی اقوام مورد آزمون قرار داده است. نتایج آزمون فرضیه اول، نشان می دهد که ضریب مسیر بین متغیرهای چالش هویتی، معیشتی و نهادی با همگرایی ملی اقوام معنی دار است، چرا که مقدار آماره ی T برای این مسیرها به ترتیب ۸/۳۵۱، ۵/۰۱۷ و ۳/۹۰۲ به دست آمده است، با توجه به اینکه این مقدار بیشتر از ۱،۹۶ می باشد، می توان فرضیه اول پژوهش را پذیرفت. فرضیه چهارم و پنجم بیان می دارد که چالش هویتی بیش از ۴۶ درصد بر چالش معیشتی و چالش معیشتی به میزان ۶۴ درصد بر چالش نهادی تأثیر دارد.

چالش های زمینه ساز در همگرایی ملی در سه سطح چالش های هویتی، معیشتی و نهادی رخ نمودند که با بررسی و طبقه بندی هر یک از آن ها، همگرایی در سطوح هویتی، معیشتی و نهادی اجتناب ناپذیر می نماید. تکوین همگرایی هویتی، فرایندی طولانی و پیچیده است و بر هویت های فردی، قومی، ملی و جهانی تکیه دارد. شناخت فرد از خود، احساس تعلق و تعهد فرد نسبت به قومیت خود و آگاهی یافتن از عناصر بازشناساننده ی وی از دیگران و شناخت فرد از ملیت و در نهایت از هویت جهانی اش که در هر یک از این آگاهی ها عوامل جغرافیایی، قومی، زبانی، اعتقادی، سرگذشت تاریخی، اعیاد و رسوم، حتی رنگ ها، نمادها، و بطور کلی هنر و معماری سهم بسیار مهمی در پیدایش آن دارند. بنابراین تاکید بر عناصر قید شده و همگراساختن اقوام حول آن زمینه ساز دستیابی به همگرایی ملی است.

تکوین همگرایی معیشتی در طبقات توسعه متوازن، فناوری اطلاعات و ارتباطات و برابری و عدم احساس محرومیت نسبی رخ نمودند. یکی از مهم ترین شاخصه های همگرایی معیشتی در مفهوم همگرایی اقتصادی نهفته است. منظور از همگرایی اقتصادی مکمل بودن اقتصاد اقوام و مناطق کشور است. هر چه مناطق و اقوام ساکن در آن دارای اقتصاد مکمل باشند، میزان همگرایی افزایش می یابد. عامل مهم دیگر توزیع متناسب منابع و الگوی تجارت است. اگر اقوام یک ملت به جای سایر ملت ها بین خود مبادلات تجاری داشته باشند، همگرایی بین آن ها افزایش می یابد. هر چه نهاده های تولید، مکان فرایندها و باز داده های محصولات و تولیدات در مکان های مختلف سرزمینی، به هم وابسته باشند. همگرایی بیشتری اتفاق می افتد. این نوع همگرایی به لحاظ وابستگی متقابل بین مناطق مختلف کشور از نظر بازار مصرف، استقرار و مکان یابی تولید یا منابع اولیه، ارتباط دوسویه و تنگاتنگی پدید می آورد. از دیگر چالش های مطرح در حیطه ی همگرایی ملی، چالش های نهادی است که لزوم همگرایی در عرصه های نهادی را طلب می کند. شرط به وجود آمدن این نوع همگرایی گذر از بحران های هویت، نفوذ، مشارکت، مشروعیت، توزیع و همسازی ملی است. یکی از مقومات شکل گیری همگرایی نهادی، نهادهای تولید کننده ی جامعه پذیری هستند که ارزش های ملی هر جامعه را درون آن جامعه تولید و بازتولید می کنند. این نهادها در صورتی که به تربیت و جامعه پذیری اعضای جامعه در راستای فرهنگ و هویت ملی همت گمارند، تضمین کننده ی همگرایی نهادی خواهند بود.

همگرایی نهادی بسیار متأثر از روند جامعه پذیری است و هم چنین به میزان کارآمدی نهادهای جامعه توجه دارد. نهادهای جامعه پذیری با انتقال فرهنگ، هم زمینه و شرایط تداوم حیات اجتماعی و نظام ارزشی آن را فراهم می کنند و هم سبب ثبات هویتی می شوند. مجموعه این فعل و انفعالات میان نهادها و جامعه ی هدف می تواند بازتولید همگرایی ملی نماید. از سویی کارآمدی و اثربخشی نهادهای اجتماعی و حکومتی در انجام وظایف اجتماعی و حکومتی موجب افزایش مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی گردیده و شفافیت و پاسخگویی به تقاضاهای ملت بطور عام و گروه های قومی بصورت خاص، این نظام را مقتدرتر می نمایند. عدالت جویی و کارآمدی نخبگان و کارگزاران حاکم مناطق قومی در حل مشکلات مردم می تواند عامل همگرایی ملی شود. مشارکت بزرگان اقوام در نهادهای حکومتی آرامش بخش و امنیت ساز بوده و اجماع میان نخبگان قومی و دولتمردان بر سر مسائل اجتماعی و حکومتی، تقویت کننده ی همگرایی ملی خواهد بود.

از سوی دیگر، تفاوت های فرهنگی و قومیتی ویژگی غالب در جوامع امروزی است. کمتر کشوری در دنیا پیدا می شود که از این تنوعات برکنار باشد. کشور ایران نیز با وجود سابقه ی کهن تاریخی از این قاعده مستثنی نبوده است. وجود اقوام متنوع در این کشور که خواهان ایفای نقش پذیری موثر می باشند از یکسو و ضرورت های دولت مدرن مبتنی بر اعمال قدرت و حاکمیت بر تمامی سرزمین از سوی دیگر، گاه سبب ایجاد شکاف میان هویت های خرد و کلان شده است. این اختلال ها تحرکات واگرایانه ای را به دنبال داشته است که همواره ضرورت مطالعه ی میدانی و شناخت عوامل موثر بر همگرایی را ضروری می سازد. با توجه به روند پژوهش بر اساس مدلسازی معادلات ساختاری به نظر می رسد که پیشنهادات ذیل قابل ارائه باشد:

- کشورهای دارای اقوام متنوع - بویژه با شرایط ایران- که در حوزه ی تنوع قومی به دلیل تبادل فرهنگی گروه های مختلف قومی، طی سالیان متمادی شاهد تنوع در درون یک فرهنگ می باشند نه فرهنگ های متنوع، هویت ملی و هویت قومی آن ها با فاصله ی اندکی از یکدیگر رشد یافته و تقویت شده است. بنابراین توجه به هویت ملی فراگیر و ترویج آن با بهره گیری از ابزارهای مناسب و مدیریت هوشمندانه به منظور تقویت مناسبات و تعمیق روابط فرهنگی میان اقوام با حکومت مرکزی ضروری و اجتناب ناپذیر می باشد.

- محیط قانونی در بستر همگرایی از نگاه دانشگاهیان و سیاستگذاران مبحث اقوام، ظرفیت قانون اساسی و هیات ها و فرایندهای قانونگذاری است. وضع حقوقی اقلیت ها و گروه های قومی هم می تواند عامل تنش و واگرایی باشد و هم می تواند فرونشاندن ی آن و عامل همگرایی تلقی شود. تنوع گروه های اقلیت بطور عام و اقوام بطور خاص در کشورها، تنوع مطالبات آن ها، راهبردهای مختلف آن ها برای بیان مطالبات خود، واکنش های بین المللی و فضای بین المللی در بی توجه نشان دادن کشورها به حقوق اقلیت ها، وضع قوانین مختص به اقلیت ها را اجتناب ناپذیر می نماید. نقش عامل ایدئولوژیک و تفکر حاکمان در بستر همگرایی کمتر از عوامل دیگر نبوده و نمود آن در قانون اساسی تجلی یافته است. یکی از دلایل طرح حقوق اقلیتها و اقوام در حقوق مدرن، تهدید هویت آن ها از سوی فرهنگ های بزرگ و مسلط چه در فضای داخلی کشور و چه در عرصه ی محیط بین المللی است. بنابراین وضع قوانین در قانون اساسی کشور، نشان از به رسمیت شناختن آن ها و اقبال هیات حاکمه به بقا و دوام آنان دارد.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- احمدی، حمید(۱۳۹۶). **مدیریت سیاسی بحران های قومی**، تهران: انتشارات مرکز آموزش وزارت کشور و دانشگاه تهران.
- افضلی، رسول؛ ضرغامی، برزین(۱۳۸۸). «تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی و متغیرهای اعتباری تهدید قومی در ایران»، **پژوهشهای جغرافیای انسانی**، زمستان ۷۰، زمستان، صص ۹۹-۷۷.
- برزگر، نصرت؛ لطفی، حیدر؛ حسن آبادی، داوود و رضویان، محمد تقی(۱۳۹۸). «نقش سیاست‌های قومی و مذهبی در مشارکت اقوام در امنیت، توسعه همه جانبه و همگرایی با تأکید بر ترکمن‌های شمال و شمال شرق ایران»، **فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)**، دوره ۹، شماره ۲، صص ۴۳۳-۴۵۵.
- جهانیان، منوچهر؛ قرخلو، مهدی و زندی، ابتهال(۱۳۸۹). «مقدمه ای بر همبستگی ملی با تأکید بر مؤلفه های فرهنگ و گردشگری»، **جغرافیای انسانی**، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۲۲-۱۰۹.
- حافظ نیا، محمدرضا(۱۳۸۵). **اصول و مفاهیم ژئوپلتیک**، مشهد: انتشارات پژوهشکده امیرکبیر.
- خرازی آذر، زهرا؛ مظفری، افسانه؛ بهرامیان، شفیق(۱۳۹۵). «تأثیر استفاده از رسانه های جمعی و اجتماعی بر هم گرایی بین قومی در ایران»، **فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، دوره ۱۷، شماره ۳۴، صص ۱۰۱-۶۹.
- داوری، علی؛ رضازاده، آرش(۱۳۹۲). **مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS**، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- دیوسالار، مجید (۱۳۸۷). «امنیت ملی و تهدیدهای قومی»، دو هفته پگاه حوزه، شماره ۲۵۱، اسفند، صص ۱۰-۷.
- سلیمی سبحان، محمدرضا؛ حیدری، جهانگیر و نیکجو، ایرج(۱۳۹۵). «بررسی و تحلیل تاریخی عوامل مؤثر بر همگرایی و واگرایی اقوام ایرانی (نمونه پژوهی: قوم کُرد)»، **مطالعات تاریخ انتظامی**، دوره ۸، شماره ۳، صص ۹۸-۷۵.
- عبدی، عطاءاله؛ ربانی، محمدرضا و خلیلی، رضا(۱۳۹۹). «روندشناسی تحولات قومی در منطقه آذربایجان؛ تلاش برای ورود به عرصه سیاسی»، **فصلنامه مطالعات ملی**، دوره ۲۱، شماره ۸۱، بهار، صص ۱۶۱-۱۳۷.
- قیصری، نورالله؛ حسینی، سید مهدی(۱۳۹۲). «ابعاد و شاخص‌های امنیت پایدار؛ مبتنی بر مدل مهندسی همگرایی ملی»، **فصلنامه آفاق امنیت**، دوره ۶، شماره ۲۰، صص ۱۰۷-۷۱.

- کریمی، علی (۱۳۸۷). مدیریت سیاسی در جوامع چند فرهنگی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- کیملیکا، ویل (۱۳۹۵). شهروندی چندفرهنگی نظریه‌ای لیبرالی در باب حقوق اقلیت‌ها، تهران: شیرازه کتاب‌ما.
- منافزاده کهریز، شیرین (۱۳۹۳). «نقش گردشگری در ایجاد همبستگی بین فرهنگ‌ها و اقوام مختلف در شهرستان ارومیه»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط زیست پایدار، همدان: انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه، دانشکده شهید مفتح.
- ولایتی، علی اکبر؛ سعید محمدی، رضا (۱۳۸۹). «تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام»، دوفصلنامه علمی دانش سیاسی، شماره ۱، صص ۱۸۰-۱۵۱.

(ب) منابع انگلیسی

- Drije, G. (2006). "Geopolitical Codes and Popular Representations". **GeoJournal**, 46(4), 293-299.
- Drake, C. (2019). **National integration in Indonesia: Patterns and Policies**. University of Hawaii Press.
- Folarin, S. F., Olanrewaju, I. P., & Ajayi, M. L. Y. (2016). "Cultural Plurality, National Integration and the Security Dilemma in Nigeria". **Covenant University Journal of Politics and International Affairs**, 2(1).
- Nordin, A. B., Alias, N., & Siraj, S. (2018). "National Integration in Multicultural School Setting in Alaysia". **MOJES: Malaysian Online Journal of Educational Sciences**, 1(1), 20-29.
- Shah, S. J., & Ishaque, W. (2017). "Challenges of National Integration in Pakistan and Strategic Response". **ISSRA PAPERS**, 9(II).